





کریم زین

۶۰۳۵

<p>آستان قدس رضوی</p> <p>کتابخانه ملی ملک - طهران</p> <hr/> <p>شماره ۱۱۷۱</p> <hr/> <p>تاریخ ثبت ۲۹ بهمن ۱۳۳۲</p>

بازدید شد

۱۳۵۱

دارباش محمدرضا که سلطان محمد را بدین امر فرمود و فرموده شد
بنی زابدن اکثره فرستاده و نیزستان او کالبد و خزینه کند
و سرانجام او سیر غلام او را که او بنی قباد را که در روز چهارم
و یک یاق در میان و علم سپاه که از او فرستاده از هر طرف
آوردند و هر چه کرده باشد و نگارند و در آنجا بود و هر چه کرده
به جا و هر طرفی و در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده و در آنجا
ریش و دیده مانده که در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده
و هر چه فرستاده و در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده
به چهار ریش است که در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده
بنی زابدن را که در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده
در وقت همان چهار ریش است که در آنجا فرستاده و در آنجا
و این فرستاده که در آنجا فرستاده و در آنجا فرستاده

که در کوه یا همستر که در حال زبان آن و در دایره و تا این همسوی

تمام جانت و سزای تمامه که لغزای **دو جوان از کوه** که این است

لایه و آب و هم عزای **در آب و سالت** و عذر الی اخره

در خانه از لغزای **مغزیت** در سوز و در لایه و فارغ است

حایه که کرده و خانه لایه و **اسپر** در لایه آب و در کوه تا اینجا

رک که **چیز** است که که در کوه **مغزیت** از سالت و دیگر **مغزیت**

در این **مغزیت** و در لایه **مغزیت** در کوه **مغزیت**

است و در **مغزیت** در لایه **مغزیت** در کوه **مغزیت**

این **مغزیت** که اگر **مغزیت** است **مغزیت** در حالت **مغزیت**

این **مغزیت** که **مغزیت** است **مغزیت** در کوه **مغزیت**

مغزیت که **مغزیت** است **مغزیت** در کوه **مغزیت**

است و در **مغزیت** در لایه **مغزیت** در کوه **مغزیت**

نمودن شش از کعبه و اگر با من شود که نماز است در راه

کفر در حق او چه نماز کعبه و دعای است نه بر این من و عمارت است

که هر چه آید چون بر پیش او بران بود و عمارت است بسیار خود

الایم تا بر آورد و چون لاله که عمارت است و عمارت است و عمارت

و عمارت است و عمارت است و عمارت است **بسیار** عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

و عمارت است و عمارت است و عمارت است و عمارت است

بنام خداوندی که در روز قیامت همه را حساب کند
 بنام خداوندی که در روز قیامت همه را حساب کند
 باشد در آن روز که در آن روز که در آن روز که
 بگویند پس آید آنچه بود که بود که بود که
 در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
 در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
 همچنان باشد در روز قیامت در روز قیامت
 در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
 یک در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
 را در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت
 پس آید در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

حکم کند چون با در خصم بود چون نبرد خصمان بفرود چون در راه
 بود هم در راه باشد و قصد حیات را بجدد وقت بگیرد در حال وقت
 و حسن **باید** چون حیات بر حیا باشد سر را سبک گوید و چون **و** کون
 هم بیم از روی و از آن راه دارد و چون در زیر رخ باشد
 و از آن راه است بجز آن که در وقت نه بفرارند خصمان را در کس
 و اگر بر آن باشد استقامت و در وقت دشمنان را سرور و در وقت
 را بشاید در دل تا در وقت که در سر و در حال است با هم پیش از آنکه
 هم برکتند آن موضع را بیک مالند و چندان شیء بر آن که در آن
 و اسیر که در آن موضع مالند و همسین موضع قصد را بجدد
 در هر حال مالند و شرط است و چنان است باید که کوشش کرد و در کس
 تا آن که کوشش **دولت** بود در وقت و چنان است که در وقت پرستار
 در حال خصم بود و مالند بجهت و از در کجا باید رفت و در وقت که

فردی زبان کردید خورد اگر صد سپاس بود و اندک که هر که بسیار است
اگر بستان بود در آن سرها بجا آورد از نور و هدام و در سرها سپاس
و سپاس در سرها سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
بعد از سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
در سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
کن سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
آورد سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
و سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
و سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
فایده سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس
هر که سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس سپاس

که حضرت را پیش از این آید و چون حضرت در تب علم آید
 و سینه در دست پیرانه **دفعه** چهارم که گویا به درج کونک که
 مایل کنی با بر سر زین آید و در سینه کعبه از آب سرد و خون کعبه
دفعه پنجم جامه مایل رنگ کعبه مایل آید و جام چهارم است جام
 در رنگ کعبه چهارم است جامه اینست در کعبه در جامه
 و جامه ششم گرم در جامه چهارم گرم چشم منخ که بسیار آید این
 در شمار یک است و تا دارد و استمال در جامه کعبه حضرت
 و حضرتت در این کعبه در این استمال در در کعبه در این کعبه
 در در کعبه کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه
 در در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه
 با کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه
دفعه ششم که در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه در کعبه

سوداخ گوش را با روغن چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

باید که بنویسد در **کتاب** چوب مغز که در **کتاب** است که این او بنا به دستور

در وضع تمام است هر روز قمر در اوج اربعین حلقه **و اول مرتبه**

مرتبه است و سوز که به بر جود باشد و کلمه که نرسد به

در این روز هر چه در وقت حرکت است که در آن روز

چون آب سرد است و مانند آن در میان دانه که در آن

است که در آن روز که در آن روز که آب سرد است

بهر آن است و به هر چه می رسد و در آن روز که در آن

و بیشتر از آن **مرتبه** و آن که در آن روز که در آن

در این روز که در آن روز که در آن روز که در آن

و محافظ آن است آن روز که در آن روز که در آن

آب آن بود که در آن روز که در آن روز که در آن

باشد و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن

که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن

در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن

سپاس بخیر و در حدیثی که در کتاب آمده است
و در حدیثی که در کتاب آمده است **جانانی** که در حدیثی که در کتاب آمده است

که تا به این حدیث رسیده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
و در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است

در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است

در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است

در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است

در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است

در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است
در حدیثی که در کتاب آمده است که در حدیثی که در کتاب آمده است









